

نظام جهانی، روابط میان کشورها و همچنین ظهور بازیگران در بسیاری از کشورها، به درجه ای رسیده است که نمی توان آنرا با روابطی که تنها چند دهه پیش بوده است، مقایسه نمود.

سیاست خارجی نیز به همین میزان اهمیت پیدا نموده و عواملی که سیاست خارجی را می سازند، بیشتر و با اهمیت تر گشته اند. کنش، واکنش و رقابت میان کشورها به سطح بالایی رسیده است و در قرن بیست و یکم، دیگر بدون داشتن روابط با دیگر کشورها ادامه حیات برای هیچ واحد سیاسی امکان پذیر نیست.

سیاست خارجی، اصولاً فعالیت های یک کشور در محیط و شرایط خارجی است. در همین ارتباط سیاست خارجی می تواند یک استراتژی و یا برنامه ای از فعالیتها تعریف گردد که توسط تصمیم گیران یک کشور در برابر کشورهای دیگر و یا نهادهای بین المللی انجام شده، تا به اهدافی که منافع ملی آن کشورها خوانده می شود نائل آیند. سیاست خارجی همچنین پروسه ای شامل اهداف مشخص، عوامل معین خارجی وابسته به اهداف فوق الذکر، توانایی کشور در رسیدن به نتایج مطلوب، توسعه یک استراتژی سودمند، اجرای استراتژی، ارزیابی و کنترل آن میباشد.

تصمیم گیری در سیاست خارجی عموماً بنام کشور خوانده می شود. به عنوان مثال گفته میشود که کشور الف اقدام به اعتراض به کشور ب نمود. در حالیکه همه می دانیم که کشور یک واژه انتزاعی است و نمی تواند تصمیم گیر باشد. درحقیقت سیاست خارجی پروسه ای است از تصمیم گیری حاکمیت و دولت که به نیابت از کشور یا مردم تصمیم می گیرند.

رای هر کشوری در سیاست خارجی و نوع کشوری که برای ایجاد ارتباط برگزیده است، مهم است و تابع چشم انداز و اهداف کلان کشوری می باشد.

به نظر میرسد که در یک تقسیم بندی کلی، کشورهای دیگری می توانند در چارچوب روابط سیاسی در یکی از هفت گروه زیر قرار گیرند:

- دشمن ما
- متحد ما
- بی طرف
- تسلط طلب
- متحد وابسته به دشمن ما
- وابسته به کشور ما
- دست نشانده کشور ما

تصمیم گیرندگان در سیاست خارجی در اکثر مواقع، پس از آنکه کشوری را در یکی از دستجات فوق جای دادند، از آن پس، نوع تصمیم گیری و تعامل با آن کشور، پیرو هنجارهای حاکم بر این دسته از کشورها خواهد بود.

متغیرهای موثر در سیاست خارجی

عوامل و متغیرهای گوناگونی در سیاست خارجی کشورها ایفای نقش می نمایند، مهم ترین متغیرهای تاثیرگذار عبارتند از:

- متغیرهای فردی
 - متغیرهای نقش گرایانه
 - متغیرهای دیوان سالارانه
 - متغیرهای ملی
 - متغیرهای نظام گرایانه
- متغیرهای فردی: به برداشتها، تصورات و ویژگی های تصمیم گیران مربوط می شود. احتیاط در مقابل بی ملاحظگی، عصبانیت در مقابل دور اندیشی، عمل گرایی در مقابل آرمان گرایی، احساس برتری در مقابل احساس حقارت بر سیاست خارجی و تصمیم گیری در آن تاثیر بسیاری دارد.

متغیرهای نقش گرایانه: صرف نظر از شخصیت روانی یک مسئول و دولتمرد، وقتی وی نقش خاصی را به عهده می‌گیرد، رفتار وی بر اساس انتظاراتی که مردم از آن نقش دارند، به طور قابل توجهی تغییر می‌یابد.

متغیرهای دیوان سالارانه: این متغیرها به ساختار و فرآیندهای یک حکومت و تاثیر آنها بر سیاست خارجی مربوط می‌شوند. بوروکراسی در هر کشوری دارای یک روند پیچیده می‌باشد. اکثر تصمیم‌گیری‌ها در سیاست خارجی به نوعی منعکس‌کننده منافع متعارض ادارات مختلف دولتی، دستگاه‌های نظامی و دواپروابسته بدانهاست.

هر کدام از مراکز دولتی مانند وزارت خارجه، سازمان اطلاعاتی، وزارت دفاع و مراکز اقتصادی ممکن است ترجیحات یا اولویت‌هایی داشته باشند که منافع مرکز و یا اداره خود را حداکثر سازند، این تفاوت رای باید در پرتو الزامات چشم انداز، از قابلیت انعطاف برخوردار باشد.

متغیرهای ملی: منظور از متغیرهای ملی، متغیرهای زیست محیطی و عوامل قدرت ملی است. عامل اقتصاد در این میان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

متغیرهای نظام گرایانه: منظور از متغیرهای نظام گرایانه، آن دسته از متغیرهایی است که نسبت به کشور، عامل خارجی محسوب می‌گردند. برای نمونه، ساختار و فرآیندهای کل نظام بین الملل را می‌توان در این مقوله قرار داد. نظام نوین بین المللی، توازن قدرت، نظام تک قطبی یا چند قطبی هر کدام به صورتی بر سیاست خارجی کشورها تاثیر خواهند داشت. البته در عصر جهانی شدن، هر کشوری تلاش می‌کند تا فرصت‌های بیشتری برای خود بیافریند و وارد عرصه‌هایی گردد که از مزیت نسبی بیشتری برخوردار است. در این دوران هر کشوری در تکاپوست تا در بازی رقابت با دیگران در امور علمی، ارزشی و فرهنگی پیروز شود. هر چند انتخاب نوع بازی، گاه از اختیار کشورها بیرون است، اما ایران در عصر جهانی شدن، از جنبه‌های گوناگونی دارای فرصت است. ایران در برخی از سطوح فناوری و تکنیک از قدرت بالایی برخوردار است. بنابراین می‌توان با روابط منطقی و عزتمندانه با سایر کشورها از ظرفیت‌ها و موفقیت‌های آنان بهره گرفت و الزامی نیست که راه پیموده شده توسط دیگران را بار دیگر پیمود.

در دنیای امروز همه مسایل با یکدیگر پیوند دارند و نمی‌توان آنها را چندان از هم جدا کرد. سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع قابل تفکیک نیستند. اگر فرهنگ کشوری بتواند منظومه فکری جدیدی با منطقی سنجیده طرح کند، می‌تواند به دستاوردها و پیامدهای آن اندیشه در دیگر عرصه‌ها نیز امیدوار باشد. بی سبب نیست که امروز کشورها و به ویژه کشورهای توسعه یافته در تلاش هستند تا ارزش‌ها و هنجارها، حتی زبان خود را که مظهر فرهنگ است، بر دیگران تحمیل کنند. آنان می‌دانند که تسلط و حضور فرهنگ در یک کشور، منافع مادی و معنوی بسیاری را در پی می‌آورد. به نظر می‌رسد که اگر ایران تجربه موفق در ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها داشته باشد و بتواند به خوبی فرهنگ عقلی، اصیل، مدارا جویانه، خلاق و معنوی خود را به دیگران عرضه کند، توانسته است فرصتی گرانبها برای خود ایجاد کند. در هم آمیختن دین و مردم سالاری، مذهب و جمهوریت و تن دادن به قواعد آن می‌تواند فرهنگ بومی و اسلامی ما را توانی مضاعف بخشد و در جهان امروز راهگشا باشد و تعاملی صحیح و سودآور با دیگر کشورها به وجود آورد. در حالی که برخی از تمدن‌ها و کشورهای در ارائه سامانه فکری اصیل و هماهنگ با شرایط زمانه، توان بالایی ندارند. آن‌گونه که فرایند حرکت بسیاری از این کشورها به سوی ارزش‌های مردم سالار و روزآمد، کند، آهسته و با موانع فکری و عملی فراوان همراه است. در حالی که ایران این ظرفیت را دارد که در تعاملی دوسویه و موثر و فعال با سایر قدرت‌ها روزآمدی خود را به آزمون بگذارد. انتقال دغدغه‌های بومی

در دوره جهانی شدن، کشوری سود بیشتر می‌برد که تلاش بیشتری در حیطه نظری و عملی داشته باشد. نمی‌توان منتظر نشست تا چالش‌ها از بین بروند و بدون هیچ اقدامی تبدیل به فرصت شوند. برای مقابله با تهدیدها، باید چاره‌اندیشی کرد. جهانی شدن همان‌گونه که برای کشورهای جهان و به ویژه کشورهای جهان سوم، شکل‌آفرین و چالش‌آور است، می‌تواند برای آنان فرصت‌هایی نیز به وجود آورد. در جهان امروز مالکیت ابزارهای پیشرفته برای کشورهای سرمایه‌داری، لزوماً به معنای تسلط فرهنگ آنان نمی‌باشد. اساساً امروزه نمی‌توان دیگران را به آسودگی خاموش کرد. دیگرانی که تاکنون نمی‌توانستند حرف بزنند، توان سخن گفتن یافته‌اند. دنیای امروز، تکراراً به صورت‌های مختلف تحمل می‌کند. نخست، جهان گسترده‌تری شمار بازیگران را در حوزة عمومی افزایش داده است. در سیاست، مراکز قدرت و همچنین تنوع بازیگران در سطح جهانی، متعدد است. در فرهنگ، هنجارهای غیر غربی به سبب رواج مفهوم چند فرهنگی اهمیت یافته است. دوم آن که جهان گسترده‌تری زیر روایت، تجدد خواهی را متزلزل ساخته و به مردم مجال داده است راه‌های مختلفی را به سوی حقیقت پیمایند. در عصر نوین باتکیه بر فناوری و اطلاعات، اقلیت خاموش می‌تواند بسیاری از ارزش‌هایی را که قطعی و مسلم به نظر می‌آمدند زیر سؤال ببرد.

دغدغه‌های بومی و محلی توان می‌یابند که از حیطه محدود گذشته به درآیند و هنجارها و ارزش‌های خود را به دیگر جوامع منتقل کنند. دیگر «پیرامون» تنها شنونده و واردکننده ارزش‌ها و دغدغه‌های «مرکز» نیست، گوا اینکه در تفکر پست مدرن اصولاً چیزی به

نام مرکز وجود ندارد. ممیزات پست مدرن‌ها در برابر مدرن‌ها؛ ضد نخبه‌گرایی، ضد اقتدارگرایی، خود پراکندگی، تولید ساختارهای باز، ناپیوستگی و نامعین بودن در مقابل آزمایش‌گرایی مدرنیست‌ها می‌باشد. پس، امروزه نمی‌توان به قطعیت از گفتمانی مسلط دم زد. این امر فرصت خوبی برای کشورهای دیگر از جمله ایران به وجود می‌آورد.

ایران در دنیای کنونی دغدغه‌های تازه‌ای را برای جهانیان پیشنهاد می‌کند. اگر ارائه پیشنهادها، روندی معقولانه داشته باشد و طرح آن به دور از سطحی‌اندیشی و سطحی‌نگری‌های شعارآمیز باشد، فرصتی گرانبها برای کشور ما خواهد بود تا دغدغه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خویش را با دیگران در میان نهد و به داوری جهانی بسپارد. ایران با پشتوانه‌های تمدنی و فرهنگی غنی که به خوبی عقلانیت دینی، اجتهاد پویا و ارزش‌های انسانی را در کنار هم مطرح می‌کند، از فرصتی ویژه برخوردار است. امروزه ایران از حیث موقعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و راهبردی که در جهان دارد، می‌تواند با اتخاذ چند راهکار از فشارها و تهدیدهای احتمالی جهانی شدن کاسته و یا آنها را به فرصت تبدیل کند.

اصلاحات ساختاری و ظرفیت سازی

برای ایجاد شرایط مناسب جهت تحقق مبانی مورد نظر سند چشم‌انداز بیست ساله، نخستین قدم توسعه ظرفیت کشور، تقویت فرهنگ توسعه و بستر سازی تغییرات نهادی است.

ظرفیت سازی، از جمله ایجاد زیر بناهای لازم برای تقویت مناسبات خارجی و تحرکات بین‌المللی، بیش از هر اقدامی مستلزم تعدیلات ساختاری و کاهش دیوان‌سالاری دولتی و تغییر وظایف حاکمیتی و فراهم سازی زمینه‌های همدلی و چشم‌انداز مشترک است. این امر در گرو سیاستگذاری و هدایت استعدادهای به سمت برنامه‌های توسعه‌ای در راستای اهداف سند چشم‌انداز است. در این مسیر باید موانع اصلاحات ساختاری در بدنه دولت دنبال شود و بدون شتابزدگی، شاخص‌های حرکت برای سیاست خارجی متعادل و موثر احصاء گردد.

آماده سازی دستگاه‌های مسئول جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد جهانی شدن در یک فرآیند تدریجی و هدفمند، همراه با توسعه سرمایه انسانی و ارتقاء استانداردهای سیاسی نوین به افزایش کارایی و ثمر بخشی سیاست خارجی خواهد انجامید.

ایجاد شرایط نوین در عرصه سیاست خارجی می‌تواند با همگانی کردن گفتمان توسعه و کارآمدی و با تکیه بر ارزشهای بنیادین نظام و برخوردار از عقلانیت جمعی بر مسیر اعتدال به چرخش درآید. این امر همراه با تلاش مدیران و کارشناسان انتقاد پذیر، توانمند و پشتیبان توسعه به ایجاد ساختارهای سازمانی پویا، ارگانیکی و با حداقل سلسله مراتب می‌انجامد و شکوفا سازی ظرفیت‌های سیاست خارجی را در پی خواهد داشت.

قدرت تاثیر گذاری سیاست خارجی می‌تواند با حرکتی نظیر:

1. بهبود کارایی دستگاه‌های مسوول در امر سیاست خارجی.
2. افزایش میزان نقش و تاثیر ایران در رقابت اقتصادی منطقه‌ای.
3. گسترش مناسبات با کشورهای همسایه در برنامه‌های منشأ اقتصادی و امنیتی.
4. دستیابی به جایگاه متناسب در منطقه با کارایی عملیاتی در بلند مدت همراه شود و با ایجاد محیط اقتصادی و سیاسی رقابتی در سطح منطقه، انگیزه‌های جدی در دولت‌های منطقه برای ارتقاء سطح همکاریها و کاهش تنش‌ها بوجود آورد و تمایل جمعی برای ثبات و امنیت و توسعه را فراهم سازد.

الزامات اساسی برای تحقق سیاست خارجی در تراز سند چشم‌انداز 20 ساله

در راستای تحقق سند چشم‌انداز در عرصه سیاست خارجی می‌توان با تدوین و اجرای راهبردهای مناسب برای اجرای دقیق سیاستهای کلی گامهایی برداشت.

مهم‌ترین گامهای عملی در عرصه بین‌المللی عبارتند از:

- گسترش همکاری دو جانبه و منطقه‌ای با همسایگان
- پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای رقیب و مخالف
- بهره‌گیری از روابط خارجی برای افزایش توان ملی
- مقابله با افزون‌خواهی کشورهای متخاصم
- تلاش برای رهایی از حضور بیگانگان
- مقابله با تکیه قطبی شدن جهان

- تلاش برای ایجاد نزدیکی بین کشورهای اسلامی
- تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل
- عضویت جمهوری اسلامی ایران در تمامی مجامع بین المللی و منطقه ای
- حضور فعال در کمیته ها و گروه های کاری مربوط به بازبینی ساز و کارهای سازمان ملل متحد
- تقویت سازمان کنفرانس اسلامی و تلاش جهت ایفای نقش بیشتر این سازمان در حل بحرانها و مسائل جهان اسلام
- رایزنی با کشورهای اسلامی در خصوص اختصاص یک کرسی دائم شورای امنیت به سازمان کنفرانس اسلامی
- انعقاد موافقتنامه های معاضدت قضایی و استرداد مجرمین
- انعقاد موافقتنامه های همکاری در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر
- تغییر دادن نگرش منفی در زمینه اتهام حمایت جمهوری اسلامی از تروریسم
- گام های ضروری در مناسبات منطقه ای می تواند شامل موارد زیر باشد:
- حل اختلافات مرزی با همسایگان و رفع عوامل ناامن کننده مرزها در چارچوب منافع ملی
- حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات با کشورهای غیر متخاصم
- هماهنگی با بخش های نظامی جهت تقویت همکاریهای نظامی صلح آمیز منطقه ای
- تقویت مناسبات و پیوندها با قدرتهای منطقه ای نظیر هند، چین، روسیه و ژاپن
- همگرایی، با تاکید بر توانمندی جهان اسلام
- مشارکت مؤثر برای ارائه ظرفیت ها و فرصتهای اقتصادی ملی به کشورهای منطقه
- قراردادهای همکاری اقتصادی با کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه
- گام های اساسی در زمینه اقتصادی دربرگیرنده این اولویت هاست:
- کاهش درجه ریسک پذیری کشور در رابطه با جلب سرمایه های خارجی
- تبادل اطلاعات اقتصادی مؤثر در روابط بین الملل
- ارتقاء سطح علمی کارشناسان اقتصادی از طریق آموزش و حضور در مجامع
- استفاده از ظرفیتهای بین المللی در جهت پیشبرد طرحهای ویژه اقتصادی
- انعقاد قرارداد همکاری های بازرگانی شامل حذف مالیات مضاعف، تعرفه ترجیحی و تشویق سرمایه گذاری متقابل
- انعقاد قرارداد صدور خدمات فنی و مهندسی
- بستر سازی مناسب برای الحاق به سازمان تجارت جهانی
- ارتباط و مفاهیم با دیگران، در دنیایی که انعطاف بسیار دارد و عقل جمعی بر آن حاکم است، می تواند با اندکی تحمل و تأمل، چالش های پیش رو را کمتر کرده و برای رهایی از آنها و رسیدن به فرصت ها چاره ساز باشد.
- این اصل توان مطلوبی برای نگرش های عقلانی و هماهنگی با زمان و مکان ایجاد می کند و با بهره گیری از آن می توان برخی مشکلات کشور را حل کرد. سند چشم انداز باتکیه بر "تعامل سازنده و مؤثر در روابط با جهان"، دیدگاهی مدارا جویانه و عاقلانه را توصیه می کند که در آن تراز می توان با حکمت و خرد، ضمن حفظ عزت کشور، مصالح ملی را دنبال کرد و بسیاری از مشکلات سیاست خارجی را حل نمود.
- جمهوری اسلامی با این توانایی ها نباید از ورود به دنیای جهانی شده دوری کند و برای ورود به آن میدان هراس داشته باشد. بلکه به جای برخورد انفعالی و منفی، باید آن را فصل جدیدی در زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی خود تلقی نماید.

منابع

- 1- روان شناسی سیاسی / دکتر فتحی آشتیانی.
- 2- فصلنامه سیاست خارجی، مجله علمی- ترویجی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی) سال 18، پاییز 1383.
- 3- تحقیق در مورد سیاست خارجی..... / دکتر سید محسن مصطفوی.
- 4- شاخص های سیاست خارجی، برنامه سوم توسعه کشور، وزارت امور خارجه.